

## بسمه تعالی

### پیامدهای محبت افراطی در فرد

#### پروین میهن دوست<sup>۱</sup>

#### چکیده

یکی از احتیاجات اساسی روانی هر فردی برخورداری از محبت دیگران است. چرا که نظام موجودات و اصلاح حالاتشان به محبت وابسته است و انسان هم باید این فضیلت را حفظ نماید اما اگر این محبت از مرز خود تجاوز کرد و حالت محبت افراطی و وابستگی عاطفی به خود گرفت باعث چشم‌پوشی فرد از بسیاری از حقایق و افتادن در وادی باطل می‌شود و معضلاتی را بر وجود فرد وارد می‌سازد که مطلوب نیست و پرهیز از آن توصیه می‌شود. این مقاله برای آگاه سازی و آشنا ساختن هر چه بیشتر خواننده با پدیده‌ی محبت افراطی به تبیین ریشه‌های شکل‌گیری این حالات در افراد پرداخته است تا افراد بتوانند از طریق مقابله با آنها، گرفتار این اختلال عاطفی نشوند. در ادامه کوشیده شده است تا نشانه‌های شخص گرفتار وابستگی عاطفی معرفی شود تا والدین و یا مربیان و دوستان با کمک آنها بتوانند این حالت را در فرد شناسایی کنند. افزون بر نشانه‌های شخص گرفتار لازم است که بررسی شود که چگونه این اختلال روانی، ابزار شناخت فرد که شامل حواس ظاهر (چشم و گوش) و قوای باطنی (عقل و قلب) هستند از کار می‌اندازد به این ترتیب در گفتار دیگری به این امر پرداخته شده است تا بیان نماید که عواطف انسان باید توسط عقل مدیریت شود که اگر این مدیریت عواطف صورت نپذیرد احساسات بر عقل غلبه می‌یابد و آثار شوم آن تهدیدی بر ایمان و تفکر منطقی و اعتقاد آدمی خواهد داشت. آخرین گفتار این اثر بیانگر آسیب‌ها و صدمات محبت افراطی است آسیب‌هایی که گروهی از آنها آسیب روحی، روانی و عاطفی است و گروه دیگر آسیب‌های رشدی و رفتاری است. امید است با مطالعه‌ی این پژوهش که به روش کتابخانه‌ای ارائه شده است افراد بتوانند با کسب آگاهی و شناخت گرفتار این پدیده و اختلال عاطفی نشوند.

<sup>۱</sup> . سطح دوم، پایه پنجم، حوزه علمیه الزهراء میاندوآب.

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و در زندگی خویش نیازمند ارتباط با دیگران است. از بایسته‌های زیست اجتماعی انسان، دوستی و انس با دیگران است چرا که انس و محبت خمیر مایه فطرت آدمی است. محبت در اسلام از چنان جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که سراسر زندگی فردی و اجتماعی فرد را در بر می‌گیرد تا آنجا که در لسان معصوم (ع) وارد است که اساس دین و دیانت جز بر محبت و دوستی استوار نیست. این فریضه اخلاقی در صورتیکه از مرزهای عقلی و شرعی خارج شود و اختیار به دست احساسات سپرده شود شخص به موجودی احساساتی تبدیل می‌شود. در مسئله محبت نیز وقتی محبت عنان از کف دهد و حالت افراطی به خود بگیرد بزرگ‌ترین صدمات را بر انسان وارد می‌سازد.

هدف نوشته حاضر این است که مضرات این آفت اخلاقی در فرد را بررسی نماید و نوشته منسجمی در اختیار مخاطبین قرار دهد تا در همه احوال آدمی از هر گونه افراط و زیاده‌روی در محبت و وابستگی عاطفی جلوگیری به عمل آورد و آن را در مرحله اعتدال نگه دارد.

مسئله محبت و عشق از چندین قرن قبل از میلاد در حوزه‌ی فرهنگ و تمدن یونانی مورد توجه و بحث بوده است پس از ظهور شریعت اسلام در عصر ترجمه آثار افلاطون و ارسطو در قرن دوم و سوم هجری بین مسلمانان شایع گردید یعقوب کندی، ابونصر فارابی و ابن سینا هم تحت تأثیر فلسفه نو افلاطونی درباره محبت سخنانی گفته‌اند.

در قرآن کریم و احادیث منقول در کتب تاریخی هم به آثار نیک و مخرب مسئله توجه شده است که در بین مباحث اشاره خواهد شد. در عصر حاضر نیز کتاب‌های متعدد اخلاقی و تربیتی و روانشناسی در بین مطالب خود به گرفتاری‌ها و پیامدهای زاینبار این آفت اخلاقی اشاره کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به: «معراج السعاده» شیخ عباس قمی، «جاذبه و دافعه علی (ع)» شهید مطهری، «محبت در قرآن و حدیث» علی رافعی، «انسان در مسیر زندگی» محمد مجد و ... اشاره کرد. و آخرین اثری که تحت عنوان محبت افراطی به قلم مجتبی رضایی است تنها آثار محبت افراطی نوجوانان به هم‌جنس و درمان آن را مورد بررسی قرار داده است.

سوال اصلی که در این جا مطرح می‌باشد این است که محبت افراطی چه پیامدهایی را در زندگی فردی به وجود می‌آورد؟

در این نوشتار سعی بر آن شده است که به این سوالات پاسخ علمی و دینی ارائه شود: ریشه و منشأ پیدایش محبت افراطی چیست و نشانه‌های فرد گرفتار چیست و چگونه باعث مختل ساختن ابزار شناخت می‌شود و افراط در این فضیله اخلاقی چه صدمات و آسیب‌هایی را بر رشد شخصیتی فرد وارد می‌سازد؟

از آنجائیکه بحث مطرح شده یکی از پیچیده‌ترین گرفتاری‌های آدمی است و به صورت تدریجی و پنهان شده جسم و روح آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و شخص را از حرکت متعالی باز می‌دارد و باعث ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر در تمام دوران زندگی آدمی می‌شود مقاله حاضر در نظر دارد برای آگاه‌سازی و شناخت بیشتر مخاطبین، از بین آثاری که در این زمینه به صورت گسیخته مطالبی را بیان نموده‌اند، به صورت یکجا این مطالب را جمع‌آوری نماید تا علاقه‌مندان و گرفتاران به این رذیله اخلاقی با مطالعه این نوشتار، راهی معتدل در زندگی بیمایند.

## مفهوم شناسی

### معنا شناسی افراط

افراط از باب افعال از مصدر فرط گرفته شده است؛ فرط به معنای گذشت و پیش رفت، کوتاهی در کار و از دست دادن فرصت، زیاده‌روی کردن، شتاب، چیرگی و سبقت، خروج از حد معین آمده است و هر گاه این خروج در جهت زیاده از اندازه و پیشی گرفتن باشد به آن افراط گویند. در آیات قرآنی واژه‌ی افراط به معنای زیاده‌روی و تجاوز از حد به کار رفته است مثلاً در آیه 28 سوره کهف. اما کلمه فرط از باب افعال آن که محل بحث ما است در قرآن کریم به کار نرفته است ولی باب تفعیل آن در معنای تقصیر و کوتاهی در کاری بارها در آیاتی چون 80 سوره یوسف، 45 سوره طه، 56 سوره زمر و... و به معنای پیشگام و مقدم در امری در آیه 62 سوره نحل به کار رفته است.

در روایات افراط و تفریط در مقابل هم بکار رفته‌اند از جمله افراط و تفریط در منطق و کلام امیرالمؤمنین علیه السلام این چنین مذمت شده است: «لا تری الجاهلَ إِلَّا مُفَرِّطاً أَوْ مُفَرَّطاً؛ نادان را نبینی مگر، افراط‌گر یا تفریط‌گر»<sup>2</sup>.

### معنا شناسی پیامد

پیامد به معنای اختلال، دگرگونی، حوادث، اثر، تأثیر، آسیب، تحول، انقلاب، بازتاب، عارضه، عکس‌العمل، واکنش، دشواری و سختی، زخم، آفت فکری، برهم زدن امنیت بر اثر کنشی تهدیدآمیز به کار می‌رود. و در نوشته معنای اثر و آسیب آن مد نظر می‌باشد.

### معنا شناسی محبت

راغب اصفهانی محبت را بر گرفته از دو عبارت «حبه القلب» (سودای قلب) و حبه (دانه و بذر) می‌داند بنابراین «حَبِّتُ فُلَاناً» در حقیقت یعنی به اصل و مبنا و سودای قلب او دست یافتم<sup>3</sup>. برخی این واژه را مأخوذ از «الحَبَّة» (به معنای بذره‌ای کاشته شده در زمین می‌دانند) و در باب دوستی این واژه را به این سبب به کار بسته‌اند که در محبت و دوستی، اصل و بذر حیات نهفته است، چنان که در بذر، اصل گیاه مکنون است<sup>4</sup>. برخی محبت را بر گرفته از «حُبَاب المَاء» می‌دانند که هنگام بارش باران و یا هنگامی که آب به نقطه‌ی جوش می‌رسد پدید می‌آید. و محبت را از این رو برگرفته از این عبارت می‌دانند که محبت صاحب خود را همواره در اشتیاق و جوشش نگاه می‌دارد.

راغب در مفردات معنای لفظی محبت را «اراده به آن چه که آن را خیر می‌بینی و یا خیر می‌پنداری» می‌داند البته او می‌گوید محبت کامل‌تر و رفیع‌تر از اراده است چرا که هر محبتی اراده است و اما هر اراده‌ای

<sup>2</sup>. نهج البلاغه، حکمت 70.

<sup>3</sup>. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ذیل ماده «حب».

<sup>4</sup>. هجویری، کشف المحجوب، ص 394.

محبت نیست.<sup>۵</sup> برخی محبت را میل نفس به چیز موافق می‌دانند و برخی آن را میل قلب<sup>۶</sup> تعریف می‌کنند و قاموس محیط آن را مترادف «وداد، دوستی» می‌داند و لسان العرب آن را نقیض بغض بر می‌شمرد. از نظر اصطلاحی محبت را با تعاریف زیر تعریف کرده‌اند:

محمد ری شهری، چنین تعریف می‌کند: «محبت» عبارت است از احساس میل نسبت به چیزی که برای انسان لذت‌بخش است ایشان نزدیک به 60 نام را برای محبت آورده است که از آن جمله می‌توان به علاقه، محبه، شغف، هوی، عشق، شوق، حزن و ... اشاره کرد.<sup>۸</sup>

علامه طباطبایی نیز محبت را نوعی تعلق و وابستگی ویژه و جذب شدن آگاهانه خاص بین انسان و کمال او می‌دانند.<sup>۹</sup> بعضی دیگر گویند: محبت امری است که کور و کر کند و نابینا گرداند محب را از آن چه جز محبوب است.<sup>۱۰</sup>

با تتبع در کلمات لغویین در می‌یابیم که برخی از اهل لغت، دو واژه «محبت» و «عشق» را به یک معنا و مفهوم گرفته‌اند اما نکته در خور توجه این است که از نظر لغت حبّ و عشق مترادف معنوی ندارند و هر محبتی، عشق نامیده نمی‌شود، بلکه عشق اوج محبت و افراط در آن است. بنابراین آن دسته از اهل لغت که حبّ را به عشق تفسیر کرده‌اند، مرادشان درجات بالای محبت و مرتبه شدید حبّ می‌باشد و در این نوشته نیز هرگاه واژه عشق به کار برده شود مد نظر همان درجه بالای محبت می‌باشد.

## ریشه و پیدایش محبت افراطی

از عوامل عمده و اساسی که باعث تندروی می‌شود:

1. نداشتن اطلاعات کافی در مورد اعمال و رفتار و بازتاب‌های منفی آنها
2. عدم قدرت تحلیل ذهنی و ارتباط دادن افعال با هم و عدم تأمل و تدبیر قبل از کارها
3. ضعف خود باوری
4. پاسخ مناسب نگرفتن نیازهای عاطفی افراد
5. کمبود فضای معنوی
6. نیاز جنسی مدیریت نشده و در نتیجه قرار گرفتن در فضاهای محرک جنسی
7. فراوان بودن اوقات فراغت مدیریت نشده
8. به خاطر خدمتی است که یکی در حق دیگری در موقعیت حاد انجام می‌دهد.

<sup>۵</sup> . راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ قرآن، ص 103.

<sup>۶</sup> . غزالی، احیاء علوم دین، ج 4، ص 327.

<sup>۷</sup> . بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التاویل، ج 1، ص 206.

<sup>۸</sup> . ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ص 23-24.

<sup>۹</sup> . طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 410-411.

<sup>۱۰</sup> . سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج 4، ص 151-153.

داشته باشد و این مانع از آن می‌شود که فرد بتواند مستقلاً کارهای خود را انجام دهد در نتیجه منفعل بار می‌آید و همیشه منتظر دستور دیگران است و طرز تفکر و قضاوت و معیارهای اخلاقی و اجتماعی او تابع چیزی است که دیگران می‌گویند و اجازه بروز مشخصه‌های رفتاری و تعامل با دیگران از او سلب می‌شود.<sup>۵۱</sup> وقتی فردی به شخصی محبت زیادی می‌کند فرصت رشد ذهنی و روحی خود را از دست می‌دهد چرا که شخص چون مستقل نیست نمی‌تواند به اشتباهات خود پی ببرد و ضعیف بار می‌آید و این باعث صدمه دیدن رشد و یادگیری فرد می‌شود.

## 2. سلطه طلبی و تکرو بار آمدن فرد

میزان افراطی محبت باعث سلطه طلبی فرد می‌شود و دیگر حتی توجهی به جایگاه والدین و احترام به سخنان و توصیه‌های آنان ندارد فردی که دائماً خواسته‌ها و احتیاجات خود را ارضاء شده می‌بیند، توجهی به خواسته‌ها و احتیاجات سایر افراد ندارد و موجودی تکرو بار می‌آید.<sup>۵۲</sup>

افرادی که به بهانه‌ی معنی بخشیدن به زندگی خود یا حفظ سعادت خانوادگی هیچ چیزی را از محبوب خود دریغ نمی‌کنند و از ترس آزردن محبوب و از دست دادن محبت وی حتی حکومت زندگی‌شان را نیز به آنان می‌سپارند باعث می‌شود این قبیل افراد به صورت ستمگران مستبدی در آیند که همه‌ی افراد باید غلام حلقه به گوش آنان شوند. به همین جهت امام کاظم (علیه السلام) فرموده است: چه خوب است که فرزندان را در کودکی به کارهای سخت و تحمل مشکلات وادار کرد تا در بزرگی حلیم و بردبار باشند.<sup>۵۳</sup>

## 3. افزایش وابستگی و سلب آزادی از فرد و به وجود آمدن اختلاف

یکی دیگر از پیامدهای افراط در محبت، وابستگی‌های مضر و خطرناک است. زیرا هزینه کردن عواطف بیش از حد معمول باعث می‌شود فرد نتواند روابط عاطفی مطلوبی داشته باشد و گاهی ممکن است باعث به وجود آمدن اختلافاتی در میان افراد شود. برای مثال کسی که مرتباً در طول روز جویای احوال محبوب خود می‌شود با این رفتارها رابطه‌ی یکنواخت و تکراری را به وجود می‌آورد و برای فرد خسته کننده می‌شود و لذت این رابطه را به شک و سلب آزادی و در نهایت به اختلاف تبدیل می‌کند.

محبت زیادی مانند این است که او را در یک قفس قرار داده باشید و چون هر فردی حتی اگر در عشق هم مجنون باشد در زمان‌های خاصی دوست دارد در تنهایی به سر ببرد این محبت مثل آویزان شدن برای او می‌ماند و فرد را خسته و دلزده می‌کند و باعث سرد شدن ارتباط عاطفی و ایجاد پرخاشگری و در نهایت به ایجاد اختلافات تند منتهی شود.

## 4. ضعف ایمان و سستی در اعمال دینی و نامنظم شدن برنامه‌های شخص

<sup>۵۱</sup> . رضایی، قرآن و تربیت اجتماعی کودک، ص 207.

<sup>۵۲</sup> . مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان، مدیریت خانواده، ص 55.

<sup>۵۳</sup> . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 479.

از جمله زبان‌های این حس عاطفی این است که مشغولیت ذهنی شخص وابسته را بیشتر می‌کند به طوری که حتی در اعمال عبادی هم نمی‌تواند یاد محبوب را از ذهن خود خارج سازد که در صورت ادامه این سطح از ارتباط به تدریج سبب ضعف ایمان فرد می‌شود تا جایی که یاد خدا را فراموش کرده و در انجام اعمال دینی سست می‌شود و گاهی موجب نافرمانی خداوند می‌گردد. علاوه بر این موجب بی‌نظمی و هرج و مرج در زندگی و از دست دادن فرصت‌های زندگی خود می‌شود چرا که با فرصتی که در اختیار دیگران و در خدمت اشخاص دیگر قرار می‌دهد فرصتی برای رسیدن به برنامه‌های شخصی خود و دنبال کردن علایق خود ندارد و حتی رغبتی هم برای انجام برنامه‌های زندگی از خود نشان نمی‌دهد. عمر فرد وابسته که بزرگترین سرمایه‌اش است در راه دوستی‌های خارج از چارچوب هدر می‌رود و فرد تا سالها و حتی تا پایان زندگی حسرت عمر تباه شده خویش را خواهد خورد.

## نتیجه‌گیری

به طور کلی و با توجه به مطالب نوشته شده در این مقاله به این نتیجه می‌رسیم که رعایت اعتدال در هر امری ضرورت دارد و محبت کردن نیز از این قاعده مستثناء نیست و زمانی که این محبت را بر شخصی به صورت افراطی نشان می‌دهیم ممکن است در او توقع و انتظارات بی‌جا ایجاد شود و یا مجبور باشیم برای همیشه نقش بازیگری را بازی نمائیم و انتظارات او را به عنوان حق مسلّم و همیشگی وی برآورده نمائیم.

باید به این درک برسیم که محبت هر کس در موقعیت و شرایط خاصی باید بر پایه منطق ابراز شود و به هیچ وجه نباید از محبت کردن به همسر، دوست و یا خانواده و نزدیکان و خصوصاً کودکان و فرزندان خود غافل باشیم اما باید به عواقب سوئی که محبت افراطی بر فرد و طرف مقابل به بار می‌آورد توجه نمائیم و آزادی روحی و روانی و رشدی وی را سلب نکنیم و به او اجازه بدهیم تا رشد فردی خود را در محیطی آزاد و بدون احساس هیچ محدودیتی تجربه نماید. و در نهایت آسیب‌ها و صدماتی که به بار می‌آورد کمرنگ و ناچیز شود و ارزش واقعی و جایگاه خود را در نزد اطرافیان مدیریت و حفظ نمائیم. باید این را به خوبی آگاه باشیم که وقتی فردی دلبسته می‌شود نه تنها شخصیت فرد در مسیر خوبیها بالندگی ندارد بلکه بیشتر به سوی بدیها حرکت می‌نماید آن وقت این دلبستن آغاز یک فریب بزرگ برای از دست دادن تمام فرصت‌های عمر برای داشتن یک زندگی لذت‌بخش متعالی خواهد بود.



## منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن ابی الحديد، فخرالدين ابو حامد عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، 1387 ه.ق.
- ابن عربي، محيي الدين، فتوحات مكيه، ترجمه و تعليق و مقدمه: محمد خواجهوي، تهران: مولا، چاپ اول، 1382 ه.ش.
- بيگم، سيده نصرت، مخزن العرفان في تفسير القرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، 1361 ه.ش.
- بياضوي، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت: دارالفكر، بيتا.
- حراني، ابو محمد محسن، تحف العقول، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: موسسه نشر اسلامي، 1404 ه.ق.
- حر عاملي، محمد بن حسن، وسايل الشيعه، تحقيق و تصحيح: محمد رازي با تعليقات ابوالحسن شعراني، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، بيتا.
- خليلي، محمد حسين، مقام محبت الهي، بي جا، مركز بين المللي ترجمه و نشر المصطفى، چاپ اول، 1389 ه.ش.
- خميني، روح الله، شرح چهل حديث، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار، 1383 ه.ش.
- دوچ، هلن، روانكاوي دختران، ترجمه: ايرج پورباقر، بي جا، رز زبان كتاب، چاپ دوم، 1355 ه.ش.
- راغب اصفهاني، ابوالقاسم الحسين بن محمد، مفردات راغب، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، بيروت، بيتا، چاپ اول، 1412.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، معجم مفردات الفاظ قرآن، تأليف: راغب اصفهاني، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، دمشق: دارالقلم، 1416 ه.ق.
- ري شهري، مهدي محمد، دوستي در قرآن و حديث، ترجمه: سيد حسن اسلامي، قم: دارالحديث، 1383 ه.ش.
- -----، ميزان الحكمه، ترجمه: حميد رضا شيعي، بي جا، انتشارات دارالحديث، چاپ اول، 1377.
- رضائي، مجتبي و ديگران، محبت افراطي، قم: معاونت پژوهش موسسه مصباح الهدى، 1397.
- رافعي، علي، محبت در قرآن و حديث، قم: نشر اديان، 1389 ه.ش.
- رضايي، محمد علي، قرآن و تربيت اجتماعي کودک، قم: انتشارات پژوهش هاي تفسير و علوم قرآن، 1393 ه.ش.
- سجادي، جعفر، فرهنگ معارف اسلامي، تهران: **كومش**، چاپ سوم، 1373 ه.ش.

- سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، بی‌جا، سازمان سمت، چاپ 42، 1396 ه.ش.
- شجاعی، محمد، رساله محبت به انضمام نه کلام در باب معارف الهی، بی‌جا، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، 1399 ه.ش.
- شرفی، محمدرضا، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهران: سروش، 1389 ه.ش.
- صادقی اردستانی، احمد، اخلاق زندگی، بی‌جا، انتشارات دارالنشر، 1368 ه.ش.
- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1374 ه.ش.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن، تفسیر جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، 1377 ه.ش.
- غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم دین، ترجمه: مؤیدالدین محمدخوارزمی، بیروت: دارالمعرفت، 1406 ه.ق - 1986 م.
- قمی، شیخ عباس، معراج السعاده، تهران: انتشارات دهقان، بی‌تا.
- قائمی، علی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوان و جوان، بی‌جا، انتشارات امیری، چاپ دوم، 1364 ه.ش.
- کوچتکف، واسیلی دمیتری یویچ، روانشناسی و تربیت جنسی، ترجمه: محمدتقی نژاد، بی‌جا، چاپ بنیاد، 1352 ه.ش.
- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران: صدرا، چاپ اول، 1366 ه.ش.
- -----، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران: صدرا، چاپ 39، 1395 ه.ش.
- -----، فطرت، تهران: صدرا، چاپ یازدهم، 1378 ه.ش.
- مدرسی، سیدهادی، دوستی و دوستان، مترجمان: حمیدرضا شیخی، حمیدرضا آژیر، مشهد: انتشارات قدس رضوی، چاپ پنجم، 1386 ه.ش.
- مجد، محمد، انسان در مسیر زندگی، ویرایش: مجید موحدخواه، تهران: نیک معارف، 1392 ه.ش.
- مسکویه رازی، ابوعلی بن محمد بن یعقوب، تهذیب اخلاق، ترجمه: علی اصغر حلبی، تهران: اساطیر، 1381.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: الوفاء، 1404 ه.ق.
- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، مقدمه: قاسم انصاری کتابخانه طهوری، بی‌جا، انتشارات سروش، 1383.